

"Political Applications" of the Scientific Movement of the Early Islamic Period Based on the "Knowledge Management Cycle" Method

Received: 2019-07-21

Accepted: 2020-05-19

Davood radmand *

Mohsen alviri **

Gholamreza behroozlak ***



Vol 23, No. 91, Autumn 2020

The purpose of this study is to read out the experience of the Imam Sadeghin (AS) movement and its consequences in the civilization development in the early Islamic period. The main question is what is the relationship between the political and social prosperity of this historical stage and the scientific movement of Imam Sadeghin (AS)? In response, using the theoretical framework of the "knowledge management cycle", the scientific, cultural and political dimensions of this movement are examined and by enumerating the characteristics of each given dimension, the method of "production", "distribution" and "application" of knowledge will be determined. The results of the research indicate that this comprehensive movement, while creating an interactive atmosphere between the three fields of science, culture and politics, has played an important role in paving the way for comprehensive political growth to accelerate and direct the establishment of Islamic civilization. The political thought of Imam

* Ph.d. Student in Political Science, University of Baqir al-Olum University, Qom, Iran, (Corresponding Author), (dradmand@yahoo.com).

** Associate Professor, Faculty of History and Islamic Civilization, University of Baqir al-Olum University, Qom, Iran, (alviri@bou.ac.ir).

*** Professor of Political Science, University of Baqir al-Olum University, Qom, Iran, (behroozlak@gmail.com).

Sadeghin (AS), which was based on the "theory of political Imamate" in the "cultural" dimension, provoked the development of Shiite political theology. In the political dimension, in addition to the ruling characteristics, he also paid attention to the aspects of governance and the political system.

Keywords: Islamic Scientific Movement, Islamic Governance, Imam Sadeghin, Knowledge Management.



«کاربست‌های سیاسی» نهضت علمی دوره‌ی صدر اسلام

بر اساس روش «چرخه‌ی مدیریت دانش»

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۳۰

تاریخ تأیید: ۹۹/۲/۳۰

داوود رادمند *

محسن خندان (الویری) **

غلامرضا بهروزی لک ***



«کاربست‌های سیاسی» نهضت علمی دوره‌ی صدر اسلام...

هدف پژوهش حاضر بازخوانی تجربه‌ی نهضت مبارزاتی امامین صادقین علیهم‌السلام و پیامدهای آن در شکوفایی تمدنی دوره‌ی صدر اسلام است. سوال اصلی این است که چه رابطه‌ای میان شکوفایی سیاسی و اجتماعی این مرحله‌ی تاریخی، با نهضت علمی امامین صادقین علیهم‌السلام وجود دارد؟ در پاسخ با استفاده از چارچوب نظری «چرخه‌ی مدیریت دانش»، ابعاد علمی، فرهنگی و سیاسی این نهضت بررسی شده و با احصای شاخص‌های هر کدام از ابعاد یادشده، نحوه‌ی «تولید» و «توزیع» و «به‌کارگیری» دانش مشخص خواهد گردید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که این نهضت جامع ضمن ایجاد یک فضای تعاملی میان سه عرصه‌ی علم، فرهنگ و سیاست، در پی‌ریزی رشد سیاسی همه‌جانبه برای شتاب‌بخشی و جهت‌دهی به تاسیس تمدن اسلامی - در حد مقدمات تاریخی - نقش مهمی ایفا کرده است. اندیشه‌ی سیاسی امامین صادقین علیهم‌السلام که در بعد «فرهنگی» بر پایه‌ی «نظریه‌ی امامت سیاسی» استوار بود، به توسعه‌ی کلام سیاسی شیعه دامن زد. ایشان در بعد سیاسی، علاوه بر ویژگی‌های حاکم، به جنبه‌های حکمرانی و نظام سیاسی نیز توجه داشتند.

کلیدواژه‌ها: نهضت علمی اسلامی، حکمرانی اسلامی، امامین صادقین علیهم‌السلام، مدیریت دانش.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول)
(dradmmand@yahoo.com).

** دانشیار، گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران (alviri@bou.ac.ir).

*** استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران (behroozlak@gmail.com).

عبور از دو راهی‌های حیرت‌زا و مساله‌آفرینی که مولود آزمون و خطای عقل خودبنیاد در روزگار ما هستند، ما را به بازخوانی آموزه‌های پیشوایان دینی در حوزه‌های مختلف اجتماعی سوق می‌دهند؛ درعین حال این سوال مطرح است که چگونه می‌توان از حجاب تفاسیر گوناگون تاریخی تنیده‌شده بر دانش‌های اسلامی عبور کرد و با پیام‌های روحانی برآمده از وحی مواجهه شد؟ این امر مواجهه‌ی انسان معاصر با نصوص دینی را مساله‌گون کرده است. در همین راستا، بازخوانی وجوه سیاسی نهضت علمی امامین صادقین علیهم‌السلام در حوزه‌ی مطالعات اندیشه‌ی سیاسی اسلام، موضوع حائز اهمیت محسوب می‌شود که این پژوهش به آن خواهد پرداخت. هدف آن است که با لحاظ نمودن نگاه کارکردی به این تجربه‌ی تاریخی، وجوه سیاسی این نهضت علمی را احصا نموده و نشان دهیم چگونه سیاست اسلامی با تکیه بر تعالیم وحیانی می‌تواند زمینه‌ساز سعادت انسان شود و برکات و آثار خود را در قالب یک تمدن گسترده در تاریخ بشر ثبت کند.

بی‌شک تربیت افراد یک جامعه، یکی از ارکان اصلی و محوری رشد و شکوفایی آن جامعه است؛ این امر به‌نوبه‌ی خود نیازمند محیط مساعدی است که ضمن تامین نیازهای مادی و معنوی افراد، جامعه را در مسیر نیل به سعادت دنیوی و اخروی قرار دهد. حکومت‌ها و نظام‌های حکمرانی بستر ساز این امر هستند و الگوی‌های مطلوب برای اداره‌ی جامعه را از ژرفای اندیشه‌های سیاسی استخراج می‌کنند. با مطالعه‌ی دوره‌ی تاریخی صدر اسلام به‌وضوح می‌توان یک تحول اجتماعی باشکوه را مشاهده کرد که پیامد آن، تاسیس تمدن اسلامی بوده است. از آنجایی که این تحول مقارن با ایام حیات امامین صادقین علیهم‌السلام بوده و این دو امام هم‌اکنون به بنیان‌گذاری نهضت علمی اسلامی در صدر اسلام اشتهار دارند، این سوال مطرح می‌شود که چه رابطه‌ای میان شکوفایی سیاسی و اجتماعی این مرحله‌ی تاریخی، با نهضت علمی امامین صادقین علیهم‌السلام وجود دارد؟ آیا می‌توان میان نحوه‌ی «تولید» و «توزیع» و «به‌کارگیری» دانش در این نهضت، با شکوفایی سیاسی و اجتماعی ظاهر شده در این دوره، نسبت معناداری را پیدا کرد؟ متأسفانه بی‌توجهی به وجوه سیاسی سیره‌ی امامین صادقین علیهم‌السلام باعث شده است راهبرد جامع ایشان برای مدیریت تحول اجتماعی این دوره، صرفاً به یک حرکت عملی فروکاسته شود و وجوه سیاسی این نهضت مخفی بماند. این درحالی است که کارایی و کارآمدی نهضت امامین صادقین علیهم‌السلام در پیدایش تمدن اسلامی آن روزگار، غیرقابل انکار است و نشان می‌دهد که





این نهضت جامع، علاوه بر ظاهر علمی، وجوه سیاسی نیز داشته است. به نظر می‌رسد نتایج ناشی از بازخوانی این تجربه‌ی تاریخی را می‌توان در رفع چالش‌های کنونی جهان اسلام نیز به کار گرفت و الگوی آن را به‌عنوان یک تجربه‌ی موفق در شرایط فعلی نیز پیاده کرد.

پیش از این نیز تحقیقات ارزش‌مندی به بررسی وجوه مختلف نهضت علمی اسلامی در دوره‌ی امامین صادقین علیهم‌السلام پرداخته‌اند؛ از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «پیشوای علم و معرفت» (جندی، ۱۳۸۲)، «ابعاد شخصیت و زندگی امام صادق علیه‌السلام» (پاکت‌چی، ۱۳۹۱)، «حیات فکری سیاسی امامان شیعه» (جعفریان، ۱۳۹۰)، «امام باقر، الگوی زندگی» (احمدی، ۱۳۸۱) و «نخستین اندیشه‌های شیعی» (لالانی، ۱۳۸۱) اشاره کرد. این آثار عمدتاً تک‌نگاری‌هایی هستند که به برخی ابعاد شخصیتی و زندگی امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام و نقل روایت‌هایی از این دو امام همام پرداخته‌اند؛ اگرچه گزاره‌هایی از اندیشه‌های سیاسی ایشان نیز در آن‌ها عرضه شده است.

ما برای دست‌یابی به نگاهی جامع و نظام‌مند در رابطه با مساله‌ی مورد نظر پژوهش، داده‌های تحقیق را به‌روش اسنادی و از طریق مطالعه‌ی کتاب‌خانه‌ای گردآوری خواهیم کرد و از آن‌جایی که این پژوهش یک تحقیق کیفی و کاربردی است، آن‌ها را در چارچوب نظری «چرخه‌ی مدیریت دانش» تحلیل خواهیم نمود. به این منظور - بعد از بیان مفاهیم - ابتدا به تبیین ابعاد علمی، فرهنگی و سیاسی نهضت علمی امامین صادقین علیهم‌السلام خواهیم پرداخت؛ سپس چرخه‌ی تولید و توزیع و به‌کارگیری آن را در نظام سیاسی روزگار یادشده تحلیل خواهیم نمود.

۱. مفاهیم پژوهش

۱.۱. نهضت علمی

اگرچه تصویر روشنی از «انقلاب علمی» در تاریخ علم اروپا در دست است،^۱ اما انقلاب علمی در اندیشه‌ی اسلامی تاریخ روشنی ندارد. البته شکی در این نیست که در دوران امامت صادقین علیهم‌السلام که مقارن با حکومت هارون‌الرشید و تاسیس بغداد بوده است، نقطه‌ی

۱. انقلاب علمی در اروپا به دوره‌ای اطلاق می‌شود که دست‌یابی دانشمندان به کشفیات جدیدی در فیزیک و شیمی و زیست‌شناسی و ستاره‌شناسی، بنیانی نوینی را برای علوم جدید فراهم آورد و آن‌ها را از دوران قرون وسطا و یونان باستان به مرحله‌ی جدید تمدنی عبور داد. گروهی از پژوهش‌گران معتقدند که این انقلاب علمی با انتشار دو اثر در ۱۵۴۳ میلادی آغاز شد که تأثیرات آن تا قرن هفدهم ادامه داشت (لیدیمن، ۱۳۹۰، صص. ۳۰-۳۲).



عطفی در رونق علمی در جهان اسلام شکل گرفت و تا سده‌های میانه‌ی اسلامی ادامه یافت. با این وجود، در دوره‌ای که با گسترش تفکر غزالی می‌توان آن را مشخص کرد، شاهد بروز رخوت و سستی در اندیشه‌ی اسلامی هستیم (نصر، ۱۳۸۴، ص. ۱۹). در دهه‌های اخیر دانشمندان اذعان داشته‌اند که رقابت‌های جهانی با محوریت «دانش» در حال تغییر است؛ این امر در بسیاری از کشورهای دنیا موجب توجه به ایده‌ی مدیریت زنجیره‌ی تولید دانش شده و جایگاه منابع انسانی به‌مثابه تولیدکنندگان دانش و سهم آن‌ها در غنای نظام علمی را حائز اهمیت ساخته است (حسینی، ۱۹۸۵ م و هودبوی، ۱۹۹۰ م، ص. ۲۸). این امر جایگاه ویژه‌ی بازخوانی و بازسازی «نهضت علمی» در جامعه‌ی اسلامی امروز را برای فائق آمدن بر استبدادزدگی و عقب‌ماندگی از قافله‌ی علم پررنگ می‌کند. تبعاً یکی از ادواری که می‌توان به بازخوانی آن پرداخت، وجوه مختلف نهضت علمی / امامین صادقین علیهم‌السلام به‌مثابه الگویی برای اعتلای امت اسلامی، تولید اندیشه‌ی اسلامی، تربیت انسان نخبه و توسعه‌ی دانش است.

مقصود ما از «علم» در این پژوهش، معنای عام آن، یعنی مطلق دانش و آگاهی است. زیرا اصطلاح علم در زبان فارسی دو کاربرد متفاوت دارد. در تعریف نخست، یک مفهوم کلی و معادل هر نوعی از دانش است که شامل هر نوع آگاهی نسبت به اشیا، پدیده‌ها، روابط و غیره می‌گردد؛ اعم از این که مربوط به حوزه‌ی مادی و طبیعی باشند یا ماوراءالطبیعه. لذا قواعد روشی برای دستیابی به آن الزامی نیست. این معنا از «علم» در برابر جهل قرار دارد و معادل واژه‌ی «Knowledge» در زبان انگلیسی و «Connaissance» در زبان فرانسه است. در کاربرد دوم، «علم» به دانستی‌هایی اطلاق می‌شود که تجربه‌ی حسی، در داوری یا گردآوری‌شان دخالت مستقیم دارد؛ لذا دیگر در برابر «جهل» قرار ندارد؛ بلکه دانستی‌هایی است «تجربه‌پذیر» و «قابل آزمون». معادل انگلیسی این معنا، «Science» است و به آن بخشی از دانش‌های بشری اشاره دارد که از طریق روش‌های تجربی حاصل شده‌اند و قواعد علوم تجربی بر آن‌ها حاکم است (سروش، ۱۳۶۸، صص. ۱-۲).

۱،۲. سیاست

واژه‌ی «politics» از واژه‌ی فرانسوی «politique» گرفته شده و به معنای دیپلماسی و فن حکومت‌کردن است (طلوعی، ۱۳۸۵، ص. ۶۴۱). در زبان اروپایی، واژه‌ی «politics» از کلمه‌ی یونانی «polis» به معنای «شهر» گرفته شده است. / ارسطو موضوع علم سیاست را

«شهر» می‌دانست (طاهری، ۱۳۷۶، ص. ۹) و معتقد بود انسان به حکم physis، موجودی است که برای زندگی در polis آفریده شده است (ارسطو، ۱۳۶۴، ص. ۵).

در اندیشه‌ی اسلامی، «سیاست» و «قدرت» با «عبودیت» (به‌منزله‌ی مصداق برتر فضیلت انسانی) پیوند خورده است؛ این مطلب را در تعریف متفکران مسلمان از «سیاست» می‌توان مشاهده کرد. محمدتقی جعفری (۱۳۷۸) می‌نویسد: «سیاست از دیدگاه اسلام عبارت است از مدیریت حیات انسان‌ها، چه در حالت فردی و چه در حالت اجتماعی، برای وصول به عالی‌ترین هدف‌های مادی و معنوی» (ص. ۲۵۳). این معنا معادل دعوت به توحید و عبودیت و انجام‌دادن طاعات الهی است. این رویکرد باعث شده است که سیاست در اندیشه‌ی سیاسی اسلام با «دیانت» پیوند استوار و تفکیک‌ناپذیری داشته باشد.

در اندیشه‌ی سیاسی امامین صادقین علیهم‌السلام سیاست به اعمال مدیریت صاحبان قدرت نسبت به ملت اطلاق می‌شود تا ملت را به بندگی خداوند متعال نزدیک‌تر گردانند؛ از این رو فراهم‌ساختن اسباب قرب الهی بر عهده‌ی حاکم اسلامی است. این امر یکی از اصول اساسی اندیشه‌ی سیاسی امامین صادقین علیهم‌السلام محسوب می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که امام صادق علیه‌السلام با قدرت علمی، زمینه را آماده می‌کرد تا بنی‌امیه را از بین ببرد و به‌جای آن، حکومت علوی که همان حکومت راستین اسلامی است، بر سر کار بیاید. (خامنه‌ای، ۱۳۸۶)

باید توجه داشت که اگرچه دانش سیاست به مفهوم خرد آن، با نظام سیاسی یا حکومت و نهادهای حکومتی، شیوه‌ی اعمال قدرت و اداره‌ی امور جامعه سروکار دارد؛ اما در مفهوم کلانش، با زمینه‌های اجتماعی قدرت سیاسی، قدرت به‌معنای کلی و اجتماعی آن، تکوین و استمرار و زوال حکومت‌ها، رفتار سیاسی فردی و اجتماعی، نهادهای سیاسی غیردولتی، اندیشه‌ها و فلسفه‌های سیاسی و ... ارتباط پیدا می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۶، ص. ۲۹). بنابراین، سیاست دو حوزه‌ی «نظری» و «عملی» پیدا می‌کند. یعنی گاهی مقصود از سیاست، یک فعل خارجی است و بر نفس رابطه‌ی خاصی دلالت می‌کند که در حوزه‌ی اجتماعی، میان انسان‌ها رخ می‌هد؛ گاهی نیز مراد از آن، علم به چگونگی این روابط است. در این پژوهش، مقصود از «سیاست» و «وجه سیاسی»، عمدتاً همان «فعل سیاسی» و «دانش سیاسی» است. این پژوهش می‌کوشد تا وجوه مرتبط با «فعل سیاسی» و «دانش سیاسی» را در متن نهضت امامین صادقین علیهم‌السلام آشکارتر از پیش ساخته و امکان به‌کارگیری آن را در پژوهش‌هایی که به‌دنبال بازسازی علوم سیاسی مبتنی بر تجربه‌ی اسلامی هستند، فراهم نماید.





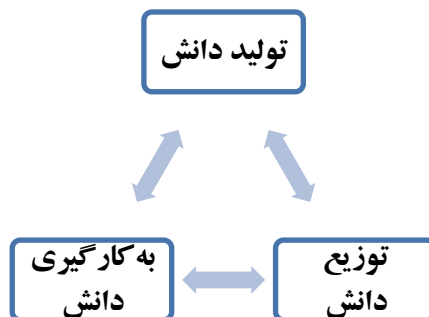
۲. چارچوب نظری

روش تحقیق این مقاله، روش اسنادی- تاریخی و تحلیل محتوای کیفی است و با مددگیری از الگوی «زنجیره‌ی مدیریت دانش» به بازخوانی و ارزیابی سیره‌ی علمی و عملی/امامین صادقین علیهم‌السلام در پایه‌گذاری شیوه‌ی حکمرانی اسلامی در مکتب تشیع می‌پردازد.

«مدیریت دانش» شامل یک سری استراتژی‌ها و راهکارها جهت: شناسایی، ایجاد، نمایندگی، پخش و تطبیق بینش‌ها و تجارب است (عبدالکریمی، ۱۳۸۲، ص. ۳۸). این رویکرد می‌تواند فهم روشنی از فرآیند «خلق دانش»، «توزیع دانش» و «به‌کارگیری دانش» در یک نظام اجتماعی را به‌تصویر بکشد و درک ما را از نحوه‌ی تشخیص، تحصیل، تسهیم، توسعه و به‌کارگیری دانش در تداوم حیات یک نظام اجتماعی ارتقا بخشد. این چارچوب کمک می‌کند تا چرخه‌ی تولید دانش در نهضت علمی اسلامی در دوره‌ی صدر اسلام را تحلیل کرده و کاربردهای سیاسی آن را برای به‌کارگیری در عصر حاضر استخراج نماییم.

باتوجه به این که حدود یک دهه پیش نیست که از عمر ابداع مفهوم کلی «مدیریت دانش» می‌گذرد، لذا نه تنها تعریف واحد قابل اجماعی در این خصوص ارائه نشده، بلکه حتی تاکنون مدل مدیریت دانشی که مورد توافق همگان باشد، نیز عرضه نگردیده است. ما در این پژوهش از مدل «پروبوست» الهام گرفته‌ایم که انعطاف‌پذیری و تناسب بیشتری با موضوع این تحقیق دارد (احمدی و صالحی، بی‌تا، صص. ۱۳۳-۱۳۶). این مدل بهترین راه برای تفکر در مورد ساختار دانش است و سیکل زندگی آن را در معرض ادراک ما قرار می‌دهد و فرآیندهایی که توسط آن دانش ایجاد شده، توزیع گشته و به‌کار گرفته شده‌اند را صورت‌بندی می‌نماید (تصویر شماره‌ی یک). به‌نظر می‌رسد با توجه به قابلیت‌ها و امتیازات «مدیریت دانش»، بتوان این رویکرد پژوهشی را به‌عنوان چارچوب نظری، جهت تبیین وجوه سیاسی نهضت علمی/امامین صادقین علیهم‌السلام به‌کار گرفت و الگوی تولید و توزیع و به‌کارگیری دانش سیاسی در این دوره را تبیین کرد.

(تصویر شماره‌ی یک)



۳. وجوه علمی، فرهنگی و سیاسی نهضت امامین صادقین علیهم‌السلام

راه‌اندازی و گسترش «نهضت علمی»، راه‌کار سیاسی امامین صادقین علیهم‌السلام برای هدایت سیاسی جامعه به سمت الگوها و چارچوب‌های حکمرانی اسلامی بوده است. جامعیت و شاخصه‌های ارزشمند این نهضت علمی در حوزه‌ی فرهنگ، سیاست و علم سبب شد تا تحركات مبنایی برای دستیابی به توسعه‌ی سیاسی در جهان اسلام متناسب با آن روزگار شکل بگیرد؛ دستاوردهای این حرکت‌ها را می‌توان در سال‌های بعد، در شکوفایی تمدن اسلامی مشاهده کرد. نشان‌دادن وجوه سیاسی این نهضت و تاثیر آن در تغییرات حکمرانی و تحولات تمدنی قرن سوم هجری، مهم‌ترین دغدغه‌ی ما در بازخوانی نهضت علمی صدر اسلام است. این بازخوانی را ابتدا از ابعاد علمی که ناظر بر مقام تولید دانش در این زنجیره است، آغاز می‌کنیم؛ سپس به ابعاد فرهنگی و سیاسی که بیش‌تر دربرگیرنده‌ی مرحله‌ی توزیع و به‌کارگیری دانش تولیدشده هستند، خواهیم پرداخت.

۳،۱. ابعاد علمی

پیش از امامت صادقین علیهم‌السلام از نظر فکری و علمی، زمان آشفتگی و بی‌رونقی دانش و بینش در جهان اسلام بود. در این زمانه‌ی پرآشوب، خبری از رشد علمی و سازندگی فکری در میان نبود؛ اندک توجه حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس به مسائل فرهنگی و آموزه‌های دینی نیز در راستای حفظ قدرت، توسعه‌ی نفوذ و سیطره‌ی بیش‌تر بر مردم نومسلمان پیگیری می‌شد (حاکم نیشابوری، ۱۳۴۲ق، ج ۱، ص. ۱۱۰). در این شرایط، امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام راهبرد تقویت بنیه‌های علمی و فکری امت اسلامی را در کانون توجه و فعالیت‌های عملی خود قرار دادند (گروه نویسندگان، بی‌تا، ص. ۶۵). به این ترتیب، علوم رو به گسترش نهاد و بزرگ‌ترین پایگاه علمی در آن زمان بنا گردید؛ مدینه به مقصد هجرت عالمان تبدیل شد؛ شریعت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مورد توجه واقع گردید؛ دانش‌های متعددی که بسیاری از آن‌ها، تا آن زمان در جامعه‌ی بشری بی‌سابقه بودند، معرفی شدند و حتی در برخی از این عناوین، خود امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام به تدریس پرداختند و لذا در تاریخ علم، موسس این دانش‌ها شناخته شدند.

۳،۱،۱. روش‌مندساختن علوم اسلامی با محوریت قرآن

بیان مبانی منطقی و برهانی هر کدام از موضوعات علمی، به گسترش ابواب مختلف علم - اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - کمک کرد (ابن‌ماجد، بی‌تا، ج ۱، ص. ۱۲). عرضه‌ی روش‌های جدید در تحقیق و پژوهش، افزون بر پرورش نخبگان و هدایت مردم





به خودشناسی و خداشناسی، سبب شکل‌گیری مکتب‌های کلامی، فقهی و حدیثی متعددی گردید که در پرتو آن‌ها، حرف‌های اعتقادی مکاتب مختلف سر و سامان یافت و خط روشنی از دیدگاه‌های مختلف عیان شد؛ به این ترتیب مردم می‌توانستند قضاوت کنند که کدامین خط فکری از آبشخورهای ناب قرآن و آموزه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سیراب می‌شود. این اقدام زمینه‌های مقدماتی لازم برای تربیت متکلمین و فلاسفه و حکمای بزرگی در دنیای اسلام را فراهم ساخت و در ادامه بزرگانی تربیت شدند که جهان امروز ما نیز مدیون آن‌هاست و به وجود آن‌ها افتخار می‌کند؛ فیلسوفانی که آثار آن‌ها با غروب آفتاب علم در جغرافیای اسلامی در انقلاب علمی اروپا مورد توجه قرار گرفتند و سهم غیرقابل‌انکاری در تحولات شگرف جهان دانش و کشفیات جدید بشر ایفا نمودند.

در کانون این توجهات، کتاب آسمانی قرآن قرار داشت. مطالعه و تامل در قرآن از دیرباز، یکی از اساسی‌ترین امور مورد توجه مسلمانان بود که پیرامون آن، علوم مختلفی سربرآورده‌اند. در زمان /امامین صادقین علیهم‌السلام رای به وجود آوردن و تثبیت خطی‌رسا برای نوشتن قرآن و نیز وضع قواعد دستور زبان عربی برای حفظ متن قرآن از خطا و اشتباه، گام‌های بسیار مهمی برداشته شد. تفسیر قرآن، ضرورت بررسی دقیق ساختار دستوری و واژگانی آن را بیش‌ازپیش حائز اهمیت ساخت؛ این امر موجب پیدایش «فقه‌اللغه» در نظام دانشی جهان اسلام شد. قواعد چگونگی سلوک در زندگی و امور روزانه با استناد به شیوه‌ی رفتاری پیامبر، که «سیره‌ی نبوی» نامیده می‌شد، آرام‌آرام موجب پیدایش «علم حدیث» گردید و شاخه‌های مختلفی بر آن افزوده شد. بررسی قرآن و حدیث، شالوده‌ای را پدید آورد که مطالعه‌ی کلام و فقه بر آن پایه‌گذاری شدند و به این ترتیب، خانه‌ی /امامین صادقین علیهم‌السلام به مرکز توجهات دانشمندان و کوشش‌های علمی علمای مختلفی تبدیل شد؛ همان‌هایی که در پی کسب این دانش‌ها برآمده بودند و در جست‌وجویش به اطراف دنیای آن روزگار سفر می‌کردند و مطلوب خود را در مدینه و در بیت /امامین صادقین علیهم‌السلام می‌یافتند.

روش‌مندی این دانش‌ها، نه تنها امکان اعتماد و نشر آن‌ها در اقصا نقاط جهان را فراهم آورد، بلکه آثار فرهنگی و سیاسی مشخصی داشت که می‌توانست به اسکات خصم یا اقتناع قلب افرادی منتهی شود که در منازعه‌های کلامی در پی اثبات عقیده‌ی خود برمی‌آمدند. این مطلب را در ادامه توضیح خواهیم داد.

۳،۱،۲. آزاداندیشی علمی

مهم‌ترین خدمت مکتب صادقین علیهم‌السلام، توسعه‌ی فکر و اندیشه و آزادساختن آن از قیدهای خودساخته‌ای بود که ریشه‌ی آن به دربار سیاست و مشاوران حاکمان سفاک اموی و عباسی برمی‌گشت. امامین صادقین علیهم‌السلام بحث آزاد و عرضه‌ی اندیشه‌های مختلف در محافل علمی را بدون هیچ‌گونه محدودیتی پایه‌گذاری کردند؛ تاجایی که حتی مادی‌گرایان نیز این حق را یافتند آرا و عقاید خود را عرضه بدارند. درمقابل، دیگران تشویق شدند تا در برابر عقاید الحادی و مادی مطرح‌شده، به بحث و مناظره بپردازند تا در این تقابل، حق از ناحق و سره از ناسره شناخته شود. مسأله‌ی «بحث آزاد» و تعبدی نبودن قبول دین سبب شد تا مردم به‌سوی مکتبی روی بیاورند که پیشوای آن، امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام بودند. به‌این ترتیب توجهات جامعه‌ی اسلامی به‌سوی این بزرگواران معطوف گردید. تبعاً با رونق گرفتن فضای آزاداندیشی علمی در مکتب صادقین علیهم‌السلام، حکومت سفاک هشام‌بن عبدالملک و منصور دوانیقی نیز نمی‌توانست آزادی‌های اجتماعی را نادیده بگیرد. این شرایط، پرسش از حکمرانی مطلوبی که آزاداندیشی سیاسی متناسب با اندیشه‌ی اسلامی را محترم به‌شمرد، در کانون توجهات قرار داد.

۳،۱،۳. بنیان‌گذاری مکتب فقهی

در محیطی که بحث‌ها و اختلافات مهمی در جامعه بر سر این مسأله شکل گرفته بود که: «چه کسی حق حکومت دارد؟» و این سوال به عرصه‌ای برای معارضه‌ی گروه‌های رقیب متعدد تبدیل شده بود، امامین صادقین علیهم‌السلام بنیان اندیشه‌ی امامت را در مکتب فکری خود به‌نحوی بنا نهادند که از آن بوی قدرت‌طلبی و حرص به کرسی سلطنت استشمام نمی‌شد. این اقدام بسیار مهم و به‌موقع بود؛ زیرا بسیاری به این نتیجه‌ی شتاب‌زده رسیده بودند که غرض از دعوی امامت از سوی داعیان آن، تلاش برای رسیدن به قدرت سیاسی و فرونشاندن حرص به منصب حکومت بر جامعه‌ی اسلامی است.

امام باقر علیه‌السلام با پیش‌کشیدن این امر که «امامت» عطای الهی به سلسله‌ای از فرزندان رسول خدا از نسل حسین بن علی است، شرط خروج یا قیام برای امامت را منتفی دانست. به‌این ترتیب بنیانی علمی برای بحث در باب مشروعیت در یک نظام حکمرانی درانداخته شد و جای بسیار برجسته‌ای در اندیشه‌ی اسلامی پیدا کرد. برای مثال، در اندیشه‌ی سیاسی امامین صادقین علیهم‌السلام به‌جای خروج و قیام، بر منصوص بودن امامت تأکید می‌شد. یعنی ایشان بر این اعتقاد پای فشاری می‌کردند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آشکارا علی علیه‌السلام را با نصّ به





جانشینی خود برگزیده است؛ لذا اقتدار و حجیت امام و مشروعیت قدرت او متکی بر این نیست که عده‌ای از مردم او را برگزینند یا با او بیعت کنند. امام باقر علیه السلام معتقد بود که منصوص بودن منصب امامت مستظهر به علم موروثی است که به امام اعطا می‌شود؛ این علم که «علم حقیقی» است، تنها منحصر به امامی است که از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، نه به هر فردی از خاندان پیامبر و نه یقیناً به کل جامعه. ایشان می‌فرمودند:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عُلْمًا ، وَمِنْ حُكْمِهِ أَخْذًا ، وَقَوْلٍ صَادِقٍ سَمِعْنَا ، فَإِنْ تَبِعُونَا تَهْتَدُوا؛ ما خاندانی هستیم که علم ما از علم خداست و از حکمت او ستانده ایم و سخن راستگویی را شنیده ایم، پس اگر از ما پیروی کنید ره یابید. (صفار قمی، ۱۹۵۰م، ص. ۶۳)

نتیجه‌ی این تفکر این بود که فقط احادیثی که از امام نقل می‌شدند، یا آن احادیثی از پیامبر که امام حاضر بر صحت آن گواهی می‌داد، جایز بودند و می‌شد در شرع بدان استناد کرد. این نگاه به تاسیس مکتب فقهی صادقین علیهم السلام انجامید و درباره‌ی بسیاری از مسائل فقه، نظریات متمایزی عرضه شد که نشان از یک مکتب اجتماعی - سیاسی داشت؛ چراکه امتداد سیاسی و اجتماعی این عقاید فقهی، با اصول حاکم بر آن روزگار مطابقت نمی‌کرد و به یک مطالبه‌ی سیاسی مبنی بر طلب حکمرانی تراز اسلامی دامن می‌زد. دقیقاً در همین دوران است که امام صادق علیه السلام در خصوص نفی مشروعیت طاغوت، مقبوله‌ی عمر بن حفصه را مطرح فرمودند (ر.ک: کلینی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص. ۶۷).

این دو امام همام برای نشر و توسعه‌ی مکتب علمی خود، به تشکیل جلسات مناظره مبادرت می‌ورزیدند؛ به این ترتیب روز به روز بر تعداد شاگردان این مکتب افزوده شد و تعداد آن‌ها از چهار هزار نفر گذشت (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص. ۲۷۱). ایشان در این جلسات ضمن پاسخ‌گویی به پرسش‌های علمی و تربیت شاگردان متنوع - که از سرزمین‌های مختلف و از مذاهب گوناگون و استعدادها و سلیقه‌های متنوع خدمت ایشان می‌رسیدند - به تبیین رشته‌های متنوعی علمی می‌پرداختند. به اعتراف ابن حجر عسقلانی، فقها و محدثانی هم‌چون: شعبه، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، مالک، ابن جریج، ابوحنیفه، وهیب بن خالد، قطان، ابوعاصم و گروه انبوه دیگری از فقهای سرشناس مذاهب اسلامی، از امامین صادقین علیهم السلام حدیث نقل کرده‌اند (۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۸۸).

این اقدام به استقرار زنجیره‌ی تولید و حفظ دانش و نشر آن منتهی شد تا آرام آرام در یک محیط مستعد به کار گرفته شود و کاربست آن در جهان اسلام، زمینه‌ی تاسیس تمدن اسلامی را فراهم آورد. آثار این زنجیره را می‌توان در شکوفایی دوره‌ی میانه‌ی اسلامی مشاهده نمود.

۳,۲. ابعاد فرهنگی

فرهنگ، مهم‌ترین رکن پیشرفت در هر جامعه است؛ زیرا لازمه‌ی دست‌یافتن به توسعه‌ی پایدار، ارتقای شاخص‌های فرهنگی در فرایند پیشرفت اجتماعی - سیاسی است. از این رو بیراه نیست که بگوییم فرهنگ، زمینه‌ی نظام ارزش‌ها، شیوه‌ی تفکر، رویکردها و مهارت‌هایی است که بر بستر آن‌ها، فرایندهای سیاسی و اجتماعی نیز اتفاق می‌افتند. در سیره‌ی حیات سیاسی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام این مطلب را به وضوح می‌توان مشاهده کرد که ایشان چگونه از طریق توسعه‌ی فرهنگی، برای برپایی حکومت اسلامی زمینه‌سازی کرده‌اند.

در زمان امامین صادقین علیه السلام انحطاط فرهنگی به گونه‌ای بود که رسوم جاهلی رو به گسترش نهاده و درگیری‌های فقهی بین فرق و مذاهب مختلف اوضاع جامعه را از لحاظ فرهنگی نابه‌سامان کرده بود (جعفریان، ۱۳۸۲، ج ۲، ص. ۷۰۹). ایجاد جریان تولید اندیشه‌ی سالم، پیرایش فرهنگی، تصحیح باورهای غلط و مقابله با اندیشه‌های کج و منحرف در راس اقدامات فرهنگی ایشان قرار داشت. این اقدام به شکل‌گیری نهضت علمی عمیق و حساب‌شده‌ای انجامید که دستاوردهای تعیین‌کننده‌ای در تاریخ تمدن اسلامی از خود به جای گذاشت؛ از آن جمله می‌توان به: ارائه‌ی سبک جدید در فهم دین، مناظره‌ی علمی آزاد، ایجاد مراکز علمی، تربیت شاگردان فرهیخته و دین‌مدار، مبارزه با انحرافات عقیدتی، توجه‌دادن مردم به اهل بیت علیهم السلام و قرآن، احیا و حفظ مکتب تشیع، اتخاذ موضع هوشمندانه در برابر خلفا، اتخاذ موضع روشن و دقیق در برابر قیام علویان، شکل‌دهی به نظام آموزشی و... اشاره کرد؛ این دستاوردها، جایگاه بسیار مهمی در مدیریت فرهنگی زمانه‌ی ایشان داشتند (ابوریه، بی‌تا، ص. ۴۳). این توسعه‌ی فرهنگی که گونه‌ای از نشر دانش تولیدشده در نهضت علمی صدر اسلام بود، پیامدهای ویژه‌ای در ساحت سیاست به همراه داشت و به قوام‌یافتن وجوه سیاسی‌ای منتهی شد که در پوشش تقیه و در قالب رشد علمی و فرهنگی پیش می‌رفتند.

۳,۲,۱. ترویج نظریه‌ی «امامت سیاسی» در قالب طرح فرهنگی

در دوره‌ی حیات امام باقر علیه السلام، گروه‌های مختلفی از مسلمانان ناراضیتی خود از وضع موجود را به شیوه‌های مختلف ابراز می‌داشتند. عده‌ای به فعالیت سیاسی متوسل می‌شدند؛ بعضی از جامعه کناره می‌گرفتند و عده‌ای نیز نیروی خود را صرف فراگرفتن علوم دینی می‌کردند. فعالیت این گروه‌ها، نویدبخش آزادی در نزد عموم مردم بود و آن‌ها را به یافتن





پیشوایی ملهم از جانب خداوند بشارت می‌داد. بیش‌تر مردم عقیده داشتند که این رهبر و پیشوا، تنها می‌تواند از میان اهل بیت علیهم‌السلام برخیزد؛ از آن جایی که خانه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام به محلی برای تفکر و تدبیر تبدیل شده بود، عده‌ی زیادی از اعضای خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از این وضعیت استفاده کرده و نظام‌های متعددی را در رقابت با یک‌دیگر پدید آورده بودند؛ در نتیجه هر کدام از آن‌ها مدعی وابستگی به خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند و خود را محق به قیام و اعتراض در برابر نظام سیاسی حاکم می‌دانستند. از میان ناراضیان چند گروه شیعی نیز بودند که علناً حکومت امویان را طرد و لعن می‌کردند و به دنبال ایجاد یک حرکت سیاسی علیه حکومت برآمده بودند. برای نمونه می‌توان از گروه‌های مختلفی مانند: کیسانیه و شعب متعدد آن، زیدیه و شاخه‌های همزاد آن، گروه‌های دیگری از علویان مانند حسن مثنی (که برای اشاعه‌ی دعوت پسرش «نفس زکیه» فعالیت می‌کرد) نام برد. هر کدام از این گروه‌ها، مفاهیم و تصورات متفاوتی از «امام» و «امامت» داشتند و آن را ترویج می‌کردند (لالانی، ۱۳۸۱، ص. ۱۷-۱۸).

امام باقر علیه‌السلام برای نظام‌بخشیدن به این بازار آشفته‌ی اعتقادی، نظریه‌ی خود درباره‌ی امامت و رهبری جامعه‌ی اسلامی را مبتنی بر قرآن و حدیث عرضه کرد و صورت فرهنگی و علمی به آن بخشید. ایشان برای «امام» جامعه، صفات و ویژگی‌هایی را برشمردند که وی را از دیگران متمایز می‌ساخت و او را افضل‌الناس می‌کرد؛ مهم‌ترین این صفات عبارت بودند از: «علم»، «عصمت»، «پارسایی» و «تقوای الهی». ایشان می‌فرمودند: «نحن حجة الله؛ ما اهل بیت، حجت خداییم» (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص. ۱۴۵). در نظریه‌ی امام باقر علیه‌السلام، امام نه تنها دارنده‌ی علم حقیقی در این جهان بود، بلکه شفیع مومنان در جهان آخرت نیز شمرده می‌شد. این صورت‌بندی، نظریه‌ی سیاسی امامت و رهبری را در پوشش فرهنگی عرضه می‌کرد و آشکارا بر کسب قدرت سیاسی تأکید نمی‌نمود. به این ترتیب نظریه‌ی رهبری سیاسی امامین صادقین علیهم‌السلام تهدید مستقیم برای حکمرانان اموی جلوه نمی‌کرد و این فرصت را فراهم می‌نمود که ایشان با طیب خاطر، فعالیت‌های فکری و تربیت فرهنگی جامعه‌ی اسلامی را تعقیب کنند (همان، ص. ۱۸).

۳،۲،۲. تدوین و تحکیم بنیان‌های اندیشه‌ی سیاسی شیعه

امامین صادقین علیهم‌السلام آشکارا به بیان مواضع اختصاصی خود پیرامون عقاید کلامی مختلفی (هم‌چون: ایمان، تقیه، قضا و قدر، توحید و ...) می‌پرداختند که در آن روزگار درباره‌ی آن‌ها گفت‌وگوهای پردامنه‌ای در جریان بود؛ به این ترتیب، از جایگاه یک هادی

الهی و پیشوای روحانی ظاهر می‌شدند و بنیان‌های عقیدتی مکتب خود را در معرض افکار و اندیشه‌های مختلف قرار می‌دادند. پیشه‌کردن شیوه‌ی آزاداندیشی و پیش‌بردن گفت‌وگوها در چارچوب بحث علمی باعث شد تا ایشان به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین علمای آن روزگار مورد توجه اندیشمندان زمانه‌ی خود قرار بگیرند و به‌این ترتیب به توسعه و نشر علوم اسلامی کمک کنند (همان، ص. ۲۰). در همین دوره می‌توان ریشه‌ی بسیاری از جنبش‌های دینی-فلسفی و جماعت‌ها و فرقه‌های اسلام سیاسی را نیز ردگیری کرد؛ از مهم‌ترین این جنبش‌ها می‌توان به فرقه‌هایی مانند: خوارج، قدریه و مرجئه اشاره نمود.

امامین صادقین علیهم‌السلام ضمن مبارزه با صورت‌های مختلف افراط‌گرایی و تفریط‌گرایی مانند: غلو، شرک، جبر، تفویض، ارجاء و تشبیه که به فرقه‌سازی در جهان اسلام منتهی شده بود، راه وسط و ویژگی‌های تفکر شیعی را مشخص نمودند. ایشان در این مبارزه از یک سو با افکار جبرگرایی و ارجاء که توسط حاکمان ستم‌گر بنی‌امیه و بنی‌عباس برای توجیه حکومت به‌وجود آمده بود، مواجهه می‌نمودند؛ از سوی دیگر با برخی باورهای افراطی شیعیان غالی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام برخورد می‌کردند. نشر دانش در قالب فعالیت‌های فرهنگی، امکان به‌کارگیری در ساحت سیاست را آرام‌آرام پدید آورد که در ادامه توضیح می‌دهیم.

۳،۳. ابعاد سیاسی

ابعاد سیاسی نهضت علمی *امامین صادقین* علیهم‌السلام که در واقع بارزترین کاربست سیاسی نهضت علمی صدر اسلام است، پوشیده‌ترین وجه مبارزاتی این دو امام همام محسوب می‌شود. اگرچه بحث در این باب نیازمند فرصت فراخ‌تری است، اما حسب بضاعت این مقاله تلاش می‌کنیم تا این بعد را با محوریت «رهبری و ولایت سیاسی دینی» تبیین نماییم. حدیثی مبارک از *امام باقر* علیه‌السلام نقل شده است که می‌فرمایند: «لم یناد بشیء کما نودی بالولاية» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۱۸). این روایت بر مدعای ارائه‌شده تصریح می‌کند. در توضیح باید بگوییم با محوریت رهبری دینی است که سیاست از طریق تربیت تراز جامعه‌ی اسلامی و فراهم کردن شرایط تعالی انسان‌ها در بستر اجتماع، مسیر سعادت اخروی و دنیوی را در دسترس بشریت قرار می‌دهد و دستاوردهای علمی و فرهنگی جامعه را در خدمت مدیریت و سرپرستی کلان یک امت به‌کار می‌بندد و آن را در تاریخ‌اش تداوم می‌بخشد.



۳

«کاربست‌های سیاسی» نهضت علمی دوره‌ی صدر اسلام...



در روزگار صادقین علیهم السلام روبه‌رو بود. اگرچه بحث از حاکمیت و وظایف رئیس و رهبر جامعه، واکنش‌ها و عقاید متفاوتی را در جمع مسلمانان ایجاد کرده و حتی فرقه‌ها و گروه‌های سیاسی مختلفی مانند: خوارج، مرجئه، قدریه و جبریه از مدخل این منازعات عقیدتی بیرون آمده بودند؛ اما افزون بر این فرقه‌ها و نهضت‌ها و مکتب‌ها، واکنش‌هایی از سوی افراد با نفوذی مانند: صحابه، عارفان و رهبران سیاسی نیز نسبت به وضعیت‌های مساله‌برانگیز راجع به رهبری و امامت جامعه‌ی اسلامی صورت می‌گرفت و وجه سیاسی این مواجهه‌های فرهنگی و بنیان‌های علمی آن را تشدید می‌کرد.

راهبرد سیاسی امامین صادقین علیهم السلام در مواجهه با این وضعیت، طرح و بسط اندیشه‌ی سیاسی از طریق پاسخ‌گویی به پرسش‌های متعددی بود که درباره‌ی حاکمان و حکومت از سوی شیعیان و غیرشیعیان مطرح می‌شد (لالانی، ۱۳۸۱، ص. ۱۶)؛ این مباحث به صورت‌بندی نظام حکمرانی اسلامی در تراز مکتب اهل‌بیت علیهم السلام انجامید؛ به‌نحوی که این صورت‌بندی همواره محل مطالبه‌ی جامعه‌ی سیاسی از حاکمان سیاسی، حتی بعد از این دوره قرار گرفت و به تحریک اجتماعی ویژه‌ای در جهان اسلام انجامید. پاسخ‌های امامین صادقین علیهم السلام به پرسش‌های مطرح‌شده پیرامون این مساله را می‌توان در دو عنوان کلی «شاخص‌های حاکم اسلامی» و «شاخص‌های حکمرانی اسلامی» عرضه کرد.

۲،۲،۱. شاخص‌های حاکم اسلامی

تبیین شاخصه‌های یک حاکم در تراز جامعه‌ی اسلامی، بنیادی‌ترین مساله‌ی حکومت دینی است. زیرا وجود یک حاکم و زمام‌دار تراز اسلام در رأس جامعه‌ی اسلامی، مهم‌ترین عامل رشد و پیشرفت همه‌جانبه در این مکتب فکری محسوب می‌شود؛ برجسته‌ترین مصداق این منصب را نیز می‌توان در شخص ائمه‌ی معصومین علیهم السلام مشاهده کرد. ویژگی‌های حاکم جامعه‌ی اسلامی در مکتب امام صادقین علیهم السلام را می‌توان در پنج عنوان احصاء کرد:

خدامحوری

بنیادی‌ترین شاخصه‌ی حاکم اسلامی در نزد امامین صادقین علیهم السلام خدامحوری است؛ این صفت در چارچوب زهد، خداگرایی، ترک هوای نفس و حمایت از دین تجلی می‌یابد. امام صادق علیه السلام در انتقاد به عملکرد حاکمان اموی و عباسی به‌صراحت می‌فرماید: حاکم اسلامی باید حکومت خود را عطیه و بخشش الهی بداند و مضمون آیه‌ی کریمه‌ی «توتی الملك من تشاء» را فراموش نکند و بداند همان‌گونه که خداوند زمام‌داری

را از دیگری سلب کرده و به او داده است، روزگاری نیز از او پس خواهد گرفت. حاکم اسلامی نباید با تکیه‌زدن به قدرت، گرفتار دنیا شود، بلکه به واسطه‌ی این ملک و مال عاریتی و فانی، بکوشد تا ملک و مال حقیقی باقی را به دست آورد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷، ص. ۱۹۲).
امام باقر می‌فرماید: همانا امامت و پیشوایی اجتماعی در صلاحیت کسی نیست، مگر این که از تقوای نیرومندی برخوردار باشد، که وی را در برابر آفات قدرت، از فروافتادن در دام حرام نگه دارد (همان، ج ۲۵، ص. ۱۳۷). ایشان می‌فرمایند:

سه چیز است که در هر شخصی اگر باشد، ایمان به خدا در او کامل است: نخست، وقتی خشنود است، این خشنودی او را داخل کار باطل نکند؛ دوم، وقتی خشم گرفت، خشم‌اش او را از حق خارج ننماید؛ و سوم، وقتی قدرت یافت، بیش‌تر از حق خود بر ندارد. (همان، ج ۱۲، ص. ۳۲۵)

ساده‌زیستی

در اندیشه‌ی سیاسی معصومین علیهم‌السلام، ساده‌زیستی یکی از شاخصه‌های مهم برای حاکم اسلام است؛ به گونه‌ای که باید حاکم اسلامی از ملزومات دنیا به حداقل آن اکتفا نماید و مواردی را که جنبه‌ی دنیاپرستی و تجمل‌گرایی دارند، کنار بگذارد (نهج‌البلاغه، ص. ۵۵۳).
 در زمان **امام باقر** گروه‌ها و جماعت‌های زیادی از حکمرانان خود، به‌ویژه آن‌هایی که زندگی تجملاتی در پیش گرفته بودند، ناراضی بودند. این حاکمان با اتخاذ زندگی پر زرق و برق، سرمشق نامطلوبی را برای دیگران ایجاد کرده بودند و آن‌چه دین از آن پرهیز داشت را رواج می‌دادند؛ تاجایی که شهر مکه و مدینه (به‌ویژه مکه) به مرکز تجمل‌پرستی تبدیل شده بودند و ثروت و دختران آوازه‌خوانی که از فتوحات اسلامی می‌آوردند، در آن‌جا موج می‌زد (لالانی، ۱۳۸۱، ص. ۱۷).

در روایتی از **امام صادق** خطاب به مفضل نقل شده است:

ای مفضل! بدان اگر حکومت در دست ما بود، جز سیاست شب (نگهبانی شبانه، حراست از مردم و اقامه‌ی حدود و حقوق الهی و مردم) و سیاحت روز (تلاش روزانه، سیرکردن مردم، رسیدگی به مشکلات آنان، اقامه‌ی عدل و دفع باطل) و خوردن خوراک‌های ساده و پوشیدن لباس‌های درشت و خشن، یعنی همان سیره‌ی امیرمومنان چیزی در کار نبود. اگر جز این عمل شود، نتیجه‌ی آن، آتش دوزخ خواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۳۵۹)

مردمی‌بودن و مشورت با آنان

در بدو تشکیل حکومت اسلامی از زمان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدینه تا زمان خلافت **امام علی** رسم بر این بود که حاکمان مسلمان در مسائل سیاسی، اجتماعی و... در جمع



مردم حاضر می‌شدند و با آن‌ها مشورت می‌کردند و از خرد و استعداد آن‌ها بهره می‌گرفتند. پیامبر ﷺ در مواردی که سخن از حکم شرعی نبود، با یاران خود به مشورت می‌پرداخت. جایگاه شورا در حکومت اسلامی تا زمان خلفا محترم شمرده می‌شد، اما در زمان حاکمان بنی‌امیه این روند نادیده انگاشته شد و اهمیت‌دادن به نظرهای مردم دستخوش فراموشی قرار گرفت (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص. ۱۸۰). امام صادق علیه السلام در اهمیت گشاده‌رویی و دست‌گیری از مردم می‌فرمودند: «ثَلَاثٌ مَنْ آتَى اللَّهَ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ؛ الْأَنْفَاقُ مِنْ إِقْتَارٍ وَ الْبِشْرِ لِجَمِيعِ الْعَالَمِ وَ الْإِنصَافُ مِنْ نَفْسِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۱۰۳).

عدالت

در اندیشه‌ی سیاسی امامین صادقین علیهم السلام حاکم اسلامی باید قلمرو فرمان‌روایی خویش را بر طریق عدل و به نیت خلافت اعمال نماید، نه بر جور و ستم و هوای نفس و ریاست‌طلبی؛ چراکه بدون عدالت، اساسا حقی بر سر جای خودش نمی‌نشیند. امام صادق علیه السلام می‌فرمودند: «ذَلِكْ اِنْ فِیْ وِلَايَةِ اِلَى الْعَدْلِ وَ وِلَايَةِ اِحْيَايِ كُلِّ حَقٍّ وَ كَلِّ عَدْلٍ وَ اِمَانَةٍ كُلِّ ظَلَمٍ وَ جُورٍ وَ فِسَادٍ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۴۲، ص. ۳۳۳).

براین اساس، عدالت برای حاکم اسلامی آن‌چنان اهمیت دارد که اگر در وجود وی این صفت نباشد یا ضعیف باشد، حاکم به هیچ‌وجه نمی‌تواند به تعهدات خود عمل کند، یا پایدار بماند؛ در نهایت نیز به ستم، بی‌انصافی، تبعیض، باندبازی، تمامیت‌خواهی، استبدادگری و بیدادگری کشیده خواهد شد. لذا حضرت پیروان خود را از همراهی با حاکمان ظالم نهی کرده و می‌فرمودند: «هرگز به خدمت آنان در نیایید. حتی اگر این خدمت به اندازه‌ی یک مرتبه فروبردن قلم در مُرْگَب باشد، به دین آسیب وارد می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص. ۳۷۷).

حکمت‌گرایی و شایسته‌سالاری

امامین صادقین علیهم السلام معتقدند که اگر کار حکومت به شخص ناآگاه سپرده شود، جامعه به گمراهی کشیده خواهد شد و به دلیل نداشتن علم کافی برای اداره‌ی حکومت، جامعه را به انحراف و نابودی خواهد کشانید؛ زیرا بهره‌مندی حاکم اسلامی از عقل و خردمندی و درایت، لازمه‌ی انجام درست هر کاری، به‌ویژه حکمرانی اسلامی است. از این رو باید بگوییم یکی از ویژگی‌های حاکم اسلامی در اندیشه‌ی سیاسی امامین صادقین علیهم السلام، بهره‌مندی حاکم از علم و تخصص‌های لازم برای حکومت‌داری است؛ سزاوارترین مردم به حکومت نیز توانمندترین، داناترین و آگاه‌ترین فرد به امر الهی است (همان).

توجه به این ویژگی برجسته را می‌توان در قول و سیره‌ی امام باقر علیه السلام مشاهده کرد. ایشان حاکم اسلامی را به تدبیر امور به معقول‌ترین و انسانی‌ترین وجه ممکن توجه

می‌دادند و لازمه‌ی این کار را اتخاذ روش‌های خردمندانه در رساندن پیام اسلام به جامعه می‌دانستند (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص. ۱۸۴). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هیچ امتی کار خویش را به عهده‌ی شخصی نگذارد، در حالی که دانایتر از وی در این میان باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص. ۱۰۰). در واقع حضرت به این راهبرد کلیدی اشاره می‌کنند که شایسته‌ترین فرد به منصب خطیر حاکم اسلامی، آگاه‌ترین مردم است. این تأکیدات بر اهمیت حکمت‌گرایی و شایسته‌سالاری حاکم اسلامی اشاره می‌کند.

۳.۲.۲. شاخص‌های حکمرانی اسلامی

شیوه‌ی حکمرانی، مجموعه‌ای از شاخص‌های سیاسی است که یک حکومت را در اجرای قدرت‌اش بر یک بدنه‌ی سیاسی توانمند می‌کند. نظام حکمرانی، رابطه‌ی رعیت با حاکم را تنظیم می‌کند و آن را ذیل نظامی از مجموعه‌ی قواعد درمی‌آورد. به تعبیردیگر، نظام حکمرانی، ساختاری است که نظامات مختلف زندگی اجتماعی (مانند نظام سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، معاملات و ...) را با یکدیگر تطبیق داده و هماهنگ می‌کند. بنابراین، سخن گفتن درباره‌ی روش حکمرانی، معادل بحث در باب چگونگی ساختار و شکل حکومت است. در نهضت علمی اسلامی دوره‌ی صدر اسلام، که بر بنیان اندیشه‌های سیاسی امامین علیهم‌السلام صادقین علیهم‌السلام قوام یافته است، می‌توان به نمونه‌هایی از شاخص‌های حکمرانی اشاره کرد.

آخرت‌گرایی

نگاه امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به شیوه‌ی حکمرانی، حکایت‌گر نگاهی متفاوت به عمل کرد یک نظام سیاسی است. در آموزه‌های سیاسی ایشان، حاکم در هیاهوی تحولات روزمره‌ی جامعه غرق نمی‌شود، بلکه باید افزون بر تدبیر منطقی امور دنیا، نگاهی غایت‌مدارانه به آخرت داشته باشد و بازتاب عمل کرد سیاسی خود در آخرت را مدنظر قرار دهد. این مساله نظام تصمیم‌گیری در حکمرانی اسلامی را متأثر از خود ساخته و توجه به نیازها و علایق ماورای طبیعی را نیز به معیارهای اداره‌ی نظام سیاسی و توسعه‌ی سیاسی اضافه می‌کند. در این شیوه نباید رفتار حاکم جامعه به مقتضیات سیاسی جامعه محدود شود؛ بلکه باید افق‌های آخرت‌گرایی، حتی به رفتارهای دنیایی او نیز سایه بیاندازد. امام صادق علیه السلام به حاکمان نظام اسلامی توصیه می‌کند که در رابطه با امتداد اعمال خود، ژرف‌تر بیاندیشند و همواره آخرت را در پیوستگی با دنیا مدنظر قرار دهند.

پایبندی به معاهدات سیاسی - اجتماعی

نظام حکمرانی در اندیشه‌ی سیاسی امامین علیهم‌السلام بر ستون مستحکمی به‌نام «عهدمداری» استوار است. مراد از عهدمداری، پایبند نمودن نظام سیاسی به تعهدات و





مسئولیت‌های خود و پرهیز از دادن وعده‌های دروغ به مردم و اجتناب ورزیدن از اداره‌ی حکومت از رهگذر فریب است. حکمرانی اسلامی بر راست‌گویی و راست‌کرداری استوار است تا ضمانت‌های لازم برای تداوم حیات اجتماعی در یک جامعه سیاسی فراهم شود و به فروپاشی مبتلا نگردد.

برای نمونه، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام تاکید می‌کنند که حکومت اسلامی باید فارغ از ماهیت طرفین خصمه، در هر حالی به تمام تعهدها و قراردادهای خود پای‌بند بماند؛ تاجایی که تصریح می‌کنند حکومت اسلامی حتی نباید حقوق مشرکین در روابط اجتماعی را نادیده بگیرد. این مطلب را در تنبیه‌دادن منصور دوانیقی به اهمیت وفای به عهد می‌توان مشاهده کرد. امام صادق علیه السلام خطاب به منصور که در اجرای وعده‌های خود تخلف کرده بود، می‌فرماید: «حتی مشرکان در مناسبات و روابط اجتماعی خود، بر وفای به عهد پایبند بودند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص. ۱۱۰). قصد حضرت از این اشارت، توجه‌دادن به فلسفه‌ی عهدمداری در شیوه‌های مختلف حکمرانی است؛ چراکه نادیده‌انگاشتن این اصل، پیامدهای تلخی در روابط اجتماعی به‌دنبال دارد و موجب پراکندگی، بی‌اعتمادی و بی‌هویتی جامعه شده و در نهایت، به سقوط و انحطاط حکومت‌ها و تمدن‌ها منتهی می‌گردد. مضافاً این‌که ابعاد آخرتی تخلف وعده در حکمرانی اسلامی نیز مدنظر قرار می‌گیرد و مکرراً اجتناب از خشم پروردگار و محرومیت از برکت‌های الهی را - که اثر آخرتی خلف وعده است - به حاکم اسلامی گوشزد می‌کند (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص. ۳۳۷).

پیوند اخلاق و سیاست

در رابطه با انواع رابطه‌ی اخلاق با سیاست در اندیشه‌ی سیاسی، سه رویکرد وجود دارد. رویکرد نخست، معتقد به جدایی اخلاق از سیاست است. رویکرد دوم، اخلاق را در خدمت سیاست قرار می‌دهد و به مزایای حکومتی که جوانب اخلاقی امر سیاسی را رعایت کند، متذکر می‌شود. رویکرد سومی که در الگوی حکمرانی امامین صادقین علیهم السلام ترسیم شده است، سیاست اخلاق‌محور نام دارد؛ چراکه اساساً نظام سیاسی را بر بنیان اخلاق بنا می‌کند.

در الگوی حکمرانی ترسیم‌شده در آموزه‌های امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، هدف توجیه‌کننده‌ی وسیله نیست و حکومت نباید با سطحی‌نگری، برای رسیدن به برخی هدف‌های اخلاقی، مسیر غیراخلاقی را برگزیند؛ زیرا این فرآیند به اخلاق‌گریزی در جامعه منتهی می‌شود و زوال ارزش‌های الهی را به‌دنبال دارد. به‌بیان دیگر، سیاست‌مدارانی که راه کار تحکیم و تثبیت هدف‌های اخلاقی را در دست‌زدن به عمل‌های ضداخلاقی

می‌جویند، مروجان اخلاق‌گریزی هستند و در شیوه‌ی حکمرانی اسلامی جایگاهی ندارند.

همدلی و وحدت اجتماعی

یکی از شاخص‌های حکمرانی موفق، ایجاد بسترهای مناسب برای همدلی و وحدت مردم با یک‌دیگر است. زیرا مردم در جامعه‌ای که از وحدت برخوردار باشند، هم با خود و هم با نظام سیاسی حاکم بر کشور، احساس همبستگی بیش‌تری می‌کنند و هنگام دفاع از مصالح و منافع عمومی، واکنش‌های مناسب‌تر و تعیین‌کننده‌تری از خود نشان می‌دهند؛ تهدیدها را دفع می‌کنند و در نتیجه امنیت راه، که حق طبیعی هر جامعه است، به جامعه‌ی خود به‌ارمغان می‌آورند. در شیوه‌ی حکمرانی تراز اسلامی، بهترین حاکمان و فرمانروایان کسانی شمرده شده‌اند که استعداد و سلیقه‌های گوناگون را زیر چتر مدیریت خود گردهم می‌آورند؛ بالعکس، بدترین حاکمان کسانی هستند که مجموعه‌ی همسو و هماهنگ را متفرق می‌سازند.

تبعاً وجود اندیشه‌ها، گرایش‌ها و جریان‌های مختلف در یک جامعه، امری طبیعی است؛ در اندیشه‌ی سیاسی / امامین علیهم‌السلام، رهبر و حاکم اسلامی، نقطه‌ی اتصال جریان‌های موجود در جامعه است؛ در این شیوه از حکمرانی، برای درآمان نگه‌داشتن جامعه از تفرقه، راهبردهای وحدت‌آفرین بر تفرقه‌گرایی تفوق دارد؛ ضمن آن که تکثر اندیشه نیز حفظ می‌شود و در هم‌سویی با آرمان‌های بلند و ارزشمند جامعه‌ی اسلامی، جایگاه پیدا می‌کند. حضرت می‌فرمودند: «ان تتبعونا تهتدوا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص. ۹۴).

۴. چرخه‌ی مدیریت دانش در نهضت علمی صدر اسلام

با غلبه‌ی نظام‌های استبدادی بر جامعه‌ی اسلامی و انحراف از جامعه‌ی معیار نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، زمینه‌های ناکارآمدی و بحران در جوامع اسلامی فراهم شد و مصلحانی هم‌چون امامین علیهم‌السلام به‌پا خواستند و با تشکیل یک نهضت علمی، زمینه‌ساز طرح نظریه‌هایی شدند که نتیجه‌ی آن‌ها، به‌راه‌افتادن حرکت‌های اصلاحی برای توسعه همه‌جانبه‌ی جامعه‌ی اسلامی بود. این نظریه‌ها و حرکت‌ها که ریشه در نهضت علمی صادقین علیهم‌السلام دارند، حاوی الگویی برای رشد همه‌جانبه‌ی اجتماعی امروز ما نیز هستند؛ برای استفاده از آن‌ها باید به‌نحوه‌ی پدیدارشدن و به‌کارگرفته‌شدن آن الگو آگاهی پیدا کرد.

مشارکت نخبگان علمی در یک جامعه‌ی سیاسی از دو طریق: «تصمیم‌گیری» و «الگوسازی» صورت می‌گیرد؛ اگر این تصمیمات و الگوها به امر سیاسی مرتبط باشند، مشارکت ایشان را می‌توان وجوه سیاسی علم‌شان دانست. این مساله در مورد امامین





صادقین علیهم السلام صدق می‌کند. ایشان به‌عنوان یک نخبه‌ی ایدئولوژیک و رهبر الهی، در مسیر زندگی اجتماعی روزگار خود، بن‌بست‌ها و موانع عدیده‌ای را می‌دیدند که عمدتاً در جهل مردم ریشه داشت؛ اما نظام‌های سیاسی تغلیبی بر این موج سوار شده و به تقویت این عقب‌ماندگی می‌پرداختند. با توجه به فضای اختناق‌آلود، مشارکت سیاسی از طریق «تصمیم‌گیری» برای امامین صادقین علیهم السلام مقدور نبود. این مساله باعث شد تا راه‌کار دوم، یعنی الگوسازی مورد توجه ایشان قرار بگیرد. تحقق‌بخشیدن به الگوسازی به شکل‌گیری نهضتی منتهی شد که با عنوان «نهضت علمی صادقین علیهم السلام» شهرت دارد؛ با این‌وجود، این نهضت مشتمل بر وجوه فرهنگی و سیاسی نیز بود که در عناوین گذشته به شرح و معرفی آن پرداختیم. ایجاد و نشر و به‌کارگیری این الگو در عرصه‌ی فرهنگی و سیاسی را می‌توان در مدل چرخه‌ی دانش تطبیق داد. این تطبیق را در جدول شماره‌ی یک به‌تصویر کشیده‌ایم:

عنوان مرحله	مصادیق
تولید دانش	ایجاد سبک جدید در معارف دینی
	وضع قواعد کتاب خط عربی
	وضع قواعد دستور زبان عربی
	تدوین دانش فقه اللغه
	تدوین دانش سیره‌شناسی
	تدوین دانش حدیث برای عبور از سلاقی راویان
	تاسیس مکتب فقهی برای عبور از قیاس
توزیع دانش	تاسیس کلام سیاسی شیعه
	ایجاد فضای آزاداندیشی علمی
	تبدیل مدینه به کانون تولید علم در جهان اسلام
	تربیت فقها، متکلمان و فیلسوفان در بستر نهضت علمی
	رواج مناظره‌ها و گفت‌گوهای علمی در پایتخت‌های اسلامی
به‌کارگیری دانش	ترویج نظریه‌ی امامت سیاسی
	دعوت حاکمان به رعایت ویژگی‌های حاکم اسلامی
	تعیین چارچوب‌های حکمرانی اسلامی
	تحول در جریان‌های مختلف مبارزاتی

جدول شماره‌ی یک

نتیجه

در عصر امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام چهره‌ی نظام سیاسی اسلام به شدت توسط امویان و عباسیان مخدوش شده و اذهان مردم از درک واقعیت اسلام منحرف گردیده بود؛ سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حاکمان آن عصر نیز وضعیت چندان مطلوبی را برای مردم ایجاد نکرده بود و آحاد جامعه به شدت از نظام حاکم متنفر و مایوس بودند. امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در امتداد راهبردهای الهی - سیاسی امامان پیشین، نهضت علمی جامعی را ایجاد کردند که به شکل‌گیری یک الگوی توسعه‌ی سیاسی انجامید و آثار خودش را در شکل‌گیری تمدن اسلامی ظاهر کرد.

در این پژوهش، ضمن الهام‌گرفتن از زنجیره‌ی مدیریت دانش (توجه به سه مرحله‌ی تولید، توزیع و به‌کارگیری دانش) به بازخوانی تجربه‌ی تاریخی یادشده در سه بعد علمی و فرهنگی و سیاسی پرداختیم تا با استخراج شاخص‌های هر کدام از ابعاد مذکور، به یک الگوی قابل پیاده‌سازی در عصر حاضر دست پیدا کنیم. نتایج نشان می‌داد که این نهضت جامع ضمن ایجاد یک فضای تعاملی میان سه عرصه‌ی علم و فرهنگی و سیاست، به نتیجه‌ی مهمی دست پیدا کرده است که آن را می‌توان در پی‌ریزی یک رشد سیاسی همه‌جانبه برای شتاب‌بخشی و جهت‌دهی به تاسیس تمدن اسلامی - در حد مقدمات تاریخی - مشاهده کرد.

اندیشه‌ی سیاسی امامین صادقین علیهما السلام در بعد «فرهنگی»، بر پایه‌ی نظریه‌ی امامت سیاسی استوار شد و به توسعه‌ی کلام سیاسی شیعه دامن زد. ایشان در بعد «سیاسی» علاوه بر ویژگی‌های شخصی حاکم (هم‌چون: خدامحوری، ساده‌زیستی، عدالت، مردمی‌بودن و توجه‌دادن به مشورت با ایشان) به جنبه‌های حکمرانی و نظام سیاسی نیز توجه داشتند؛ در این زمینه می‌توان آخرت‌گرایی، پایبندی به تعهدات سیاسی - اجتماعی، پیوند اخلاق و سیاست، و همدلی و وحدت اجتماعی را از شاخص‌های اندیشه‌ی سیاسی امامین صادقین علیهما السلام عنوان کرد. آنچه به این دو بعد قوام می‌بخشید، صورت و دستاوردهای بعد «علمی» نهضت جامع امامین صادقین علیهما السلام بود. ایشان با روش‌مندساختن علوم اسلامی با محوریت قرآن، ترویج آزاداندیشی علمی و بنیان‌گذاری مکتب فقهی شیعه، به پشتیبانی از ابعاد سیاسی و فرهنگی نهضت خود پرداختند.



منابع

- نهج البلاغه.
- ابن حجر عسقلانی، ا. (۱۴۰۴ق). *تهذیب التهذیب*. (جلد اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن شعبه الحرانی (۱۳۴۲). *تحف العقول*. (م.ب. کمره‌ای، ترجمه)؛ (ع.ا. غفاری، تصحیح). تهران: الاسلامیه.
- ابن ماجد، م. (بی تا). *سنن ابن ماجه*. (م.ف. عبدالباقی، تحقیق). (جلد اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوریه، م. (بی تا). *اضواء علی السنه المحمديه*. (چاپ دوم). بی جا: مطبعه صور الحدیثه.
- ارسطو (۱۳۶۴). *سیاست*. (ح. عنایت، مترجم). تهران: کتاب‌های جیبی.
- بشیری، ح. (۱۳۸۶). *آموزش دانش سیاسی*. (چاپ هفتم). تهران: نشر نگاه معاصر.
- بلاذری، ا. (۱۴۱۷ق). *انساب الاشراف*. (جلد ۶). س. زرکار و ر. زرکلی. بیروت: دارالفکر.
- پاکتچی، ا. (۱۳۹۱). *ابعاد شخصیت و زندگی امام صادق*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- جعفری، م.ت. (۱۳۷۸). *فلسفه دین*. ع. نصری (تدوین). (چاپ دوم). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفریان، ر. (۱۳۸۲). *تاریخ سیاسی اسلام*. (چاپ دوم، جلد ۲). قم: دلیل ما.
- جعفریان، ر. (۱۳۹۰). *حیات فکری سیاسی امامان شیعه*. تهران: نشر علم.
- جندی، ع. (۱۳۸۲). *پیشوای علم و معرفت*. (ع. جلالی، مترجم). قم: نشر زائر.
- حاکم نیشابوری، ا.ع. (۱۳۴۲ق). *المستدرک علی الصحیحین*. (جلد اول). بیروت: دارالمعرفه.
- حسینی، ا.د.ا. (۱۹۸۵م). به سوی تولد مجدد و شکل‌گیری علم و فناوری شریعت. در: *علوم اسلامی*، سال اول، شماره ۲، صص ۸۱-۹۴.
- خامنه‌ای، ع. (۱۳۸۶). *پیشوای صادق*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شیخ مفید (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- صفار قمی، م. (۱۹۵۰م). *مختصر بصائر الدرجات*. نجف: مطبعه الحیدریه.
- طاهری، ا. (۱۳۷۶). *اصول علم سیاست*. (چاپ چهارم). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- عبدالکریم، س. (۱۳۶۸). *علم چیست، فلسفه چیست؟*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.



- کلینی، م. (۱۳۹۳). *اصول کافی*. (م.ج. علی، مترجم). (جلد ۱-۲). تهران: مبین اندیشه.
- کلینی، م. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. (جلد ۲). بی‌جا: بی‌نا.
- گروه نویسندگان (بی‌تا). *سرچشمه‌های نور؛ حضرت امام باقر علیه‌السلام*. (واحد تدوین و ترجمه، مترجم). بی‌جا: بی‌نا.
- لالانی، ا. (۱۳۸۱). *نخستین اندیشه‌های شیعی؛ تعالیم امام محمدباقر*. (ف. بدره، مترجم). تهران: نشر و پژوهش فرزوان روز.
- لیدیمن، ج. (۱۳۹۰). *فلسفه علم*. (ح. کرمی، مترجم). تهران: انتشارات حکمت.
- مجلسی، م.ب. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*. (جلد ۴۷، ۲۵، ۱۲، ۵۲، ۷۵، ۲۹، ۲). بیروت: مؤسسة الرسالة.
- نصر، ح. (۱۳۸۴). *علم و تمدن در اسلام*. (ا. آرام، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هودبوی، پ. (۱۹۹۰م). *اسلام و علم: بنیادگرایی دینی و مبارزه برای عقلانیت*. (م. عبدالسلام، مقدمه‌نویس). لندن: کتاب‌های زد، مسؤولیت محدود.



سال بیست و سوم / شماره نود و یکم / پاییز ۱۳۹۹



References

- Abdul Karim, S. (1368). What is science, what is philosophy? Tehran: Sarat Cultural Institute.
- Aburi, M. (n.d.). Advocacy on the Sunnah of Muhammad. (2nd ed.). Bija: The printing press of Hadith.
- Aristotle (1364). Politics. (H. Enayat, Trans). Tehran: Pocket books.
- Bashirieh, H. (1386). Teaching political knowledge. (7th ed.). Tehran: Contemporary Look Publishing.
- Belazeri, A. (1417 AH). Ansab al-Ashraf. (Vol. 6). S. Zarkar & R. Zerekli. Beirut: Dar al-Fikr.
- Clini, m. (1393). Usul al-Kafi. (M. J. Ali, Trans., Vols, 1-2). Tehran: Mobin Andisheh.
- Clini, m. (1407 AH). Enough. (Vol. 2). Bija: Bina.
- Hakem-e Neyshaburi, A. A. (1342 AH). Evidence for the righteous. (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Hoodboy, p. (1990). Islam and Science: Religious Fundamentalism and the Struggle for Rationality. (M. Abdul Salam, Introduction Writer). London: Zed Books, Limited Liability.
- Hosseini, A.D.A. (1985). Towards the rebirth and formation of Sharia science and technology. In: Islamic Sciences, 1(2), pp. 81-94.
- Ibn Hajar Asqalani, A. (1404 AH). Tahdhib al-Thadhib. (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi.
- Ibn Majid, M. (Beta). Sunan Ibn Majah. (M.F. Abdul Baqi, research). (1st Vol.). Beirut: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi.
- Ibn Shuba al-Harani (1342). Tuhaf al-Uqul. (A.A. Ghaffari, Ed., M. B. Kamarei, Trans.). Tehran: Islamic.
- Jafari, M. T. (1378). Philosophy of Religion (A. Naseri, Ed., 2nd ed.). Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.
- Jafarian, R. (1382). Political History of Islam. (Second Edition, Volume 2). Qom: Our reason.
- Jafarian, R. (1390). The political intellectual life of Shiite Imams. Tehran: Alam Publishing.
- Jundi, A. (1382). Leader of science and knowledge. (A. Jalali, translator). Qom: Zayer Publishing.
- Khamenei, A. (2007). Honest leader. Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Lalani, A. (1381). The first Shiite ideas; Teachings of Imam Mohammad Baqir. (F. Badreh, Trans.). Tehran: Farzvan Rooz Publishing and Research.
- Lidiman, J. (1390). Philosophy of Science. (H. Karami, Trans.). Tehran: Hekmat Publications.
- Majlisi, M.B. (1403 AH). Bihar Al-Anwar. (Vols. 2, 12, 25, 29, 47, 52 & 75). Beirut: Al-Risalah Foundation.
- Nahj al-Balagha.
- Nasr, H. (1384). Science and Civilization in Islam. (A. Aram, translator). Tehran: Scientific and Cultural Publications.

- Paktochi, A. (1391). Dimensions of the personality and life of Imam Sadegh (AS). Tehran: Imam Sadegh University Press.
- Saffar Qomi, M. (1950). Brief Basair Al-Darjat. Najaf: Al-Haydariyeh Press.
- Sheikh Mufid (1413 AH). Guidance in the knowledge of Hajj Allah Ali Al-Ibad. Qom: Al-Bayt Institute (AS).
- Taheri, A. (1376). Principles of Political Science. (4th ed.). Tehran: Payame Noor University Press.
- Writers Group (Beta). Light sources; Hazrat Imam Baqir (as). (Compilation and translation unit, translator). Bija: Bina.

